

■ **مریم صادقی‌بری**

محمدطه عبد خدایی، فرزند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی از معدود افرادی است که آشنایی او با شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، به سال‌های کودکی و ارتباط دیرینه دو خانواده بازمی‌گردد. دوستی و همکاری پدر با آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای والد مکرّم رهبر شهید، زمینه‌ساز پیوندی شش‌ده‌ده‌گ در سال‌های بعد به شناختی نزدیک از زندگی و فعالیت‌های ایشان انجامید. عبدخدایی که خود از فعالان مبارزات اسلامی پیش از انقلاب و از زندانیان سیاسی رژیم پهلوی بوده است در این گفت‌وگو از خاطرات و مشاهدات خود دربارهٔ ابعاد مختلف شخصیت، سلوک علمی و مبارزاتی شهید آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید و روایت‌هایی کمتر شنیده شده از سال‌های پیش از انقلاب را بازگو می‌کند؛ امید آنکه سیره پژوهان رهبر شهید را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

با توجه به ارتباط دیرین و خانوادگی میان خانواده شما و خانواده مرحوم آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای از نحوه آشنایی خود با حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب اسلامی بگویید؟

بنده از دوران کودکی، با خانواده آیت‌الله خامنه‌ای ارتباط نزدیک و مصمیمی داشته‌ام. در واقع سابقهٔ این آشنایی به پیش از ازدواج پدران و مادران ما بازمی‌گشت. مادرم با مادر ایشان و پدرم با مرحوم آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای، دوستی و آشنایی دیرینه داشتند. پس از ازدواج نیز این ارتباط ادامه یافت و به‌تدریج به پیوندی عمیق و خانوادگی تبدیل شد. از همین رو، خانواده‌های ما از سال‌های نخست زندگی، رفت‌وآمدی مستمر با یکدیگر داشتند و من نیز از کودکی با این خانواده صمیمی بود که ما به مادر آیت‌الله خامنه‌ای «خاله جان» می‌گفتمیم و ایشان نیز به مادرم همین‌گونه خطاب می‌کردند. البته آشنایی فکری و سیاسی من با آیت‌الله خامنه‌ای به سال‌های بعد، به‌ویژه پس از قیم پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ بازمی‌گردد. هر چند پیش از آن نیز ارتباط خانوادگی نزدیکی میان ما وجود داشت، اما از آن مقطع بود که با اندیشه‌ها، فعالیت‌های سیاسی و مهم‌تر از آن نوع مواجهه ایشان با مسائل اجتماعی و سیاسی بیشتر آشناشدم.

پدر و مادر ایشان و همچنین تأثیر آنان بر تربیت فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آیت‌الله خامنه‌ای، توضیحاتی را بیان کنید؟

مادر آیت‌الله خامنه‌ای، دختر مرحوم آیت‌الله سیدهاشم نجف‌آبادی، بانویی فرهیخته، آگاه و اهل فرهنگ بودند. خانواده نجف‌آبادی، از خاندان‌های علمی و شناخته‌شده شهید به‌شمار می‌رفتند. آقای آسیدهاشم نجف‌آبادی از عالمان مبارز مشهور بود که در جریان واقعه مسجد گوهرشاد و مقابله با برنامه تغییر لباس رضاشاه نقش مؤثری داشت. برادر ایشان مرحوم سیدحسن نجف‌آبادی نیز از چهره‌های علمی و مذهبی مشهور بود و پس از پدر در یکی از شبستان‌های مسجد گوهرشاد اقامه نماز می‌کرد. این پیشینه علمی و فرهنگی، تأثیر عمیقی بر تربیت و شخصیت اعضای این خاندان در جای گذاشته بود.

مادر آیت‌الله خامنه‌ای با وجود آنکه در چارچوب سبک زندگی سنتی آن روزگار زندگی می‌کردند، از دانش و بینش فرهنگی قابل توجهی برخوردار بودند. به شعر، ادبیات و مسائل فرهنگی علاقه داشتند و این ویژگی‌ها، در رفتار و منش ایشان کاملاً مشهود بود. به اعتقاد من، بخش مهمی از آشنایی فرزندان این خانواده با شعر، ادبیات و مباحث فرهنگی، مرهون تربیت و اهتمام ایشان بود. آنگونه که خود با زبان عربی از مبدیون مادرشان می‌دانستند. ایشان به دلیل چند فرزندان این خانواده به نجف به زبان عربی تسلط داشتند و از این توانایی در تربیت فرزندان بهره می‌برند. پدر ایشان مرحوم آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای از روحانیان برجسته،فاضل و در عین حال زاهد مشهور بودند. شخصیتی متواضع، کم‌ادعا و دور از جلوه‌گری داشتند و هیچ‌گاه در پی کسب موقعیت یا شهرت اجتماعی نبودند. ایشان در مسجد ترک‌ها- که به مسجد صدیقی‌ها نیز شهرت داشت و در بازار بزرگ مشهد واقع شده بود- اقامه نماز می‌کردند. هر چند من فرصت استفاده مستقیم از محضر ایشان را نداشتم، اما برادرم نزد ایشان درس خوانده بود و همواره از فضل، دانش و توان علمی گسترده ایشان یاد می‌کرد. همانگونه که عرض کردم، رابطه پدرم با مرحوم آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای بسیار مصمیمی و دیرینه بود. در کنار مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حبیب‌الله ملکی، این سه بزرگوار از دوستان نزدیک یکدیگر به‌شمار می‌رفتند. هر سه اهل علم، فضل و زهد بودند و سابقهٔ آشنایی آنان به دوران تحصیل در نجف بازمی‌گشت. البته پدرم، افزون بر فعالیت‌های علمی، در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز حضوری فعال داشت، در حالی که آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای و آیت‌الله ملکی بیشتر به فعالیت‌های علمی و حوزوی می‌پرداختند. از جمله برنامه‌های علمی آنان، جلساتتی بود که به «جلسات مباحثه کیمانی» شهرت داشت. این نشست‌ها معمولاً هفتگی‌ای یک‌بار و به نوبت در منازل اعضا بر گزار می‌شد، هر چند بیشتر اوقات میزبان آن آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای بودند. در این جلسات، افزون بر این سه بزرگوار، جمعی از فضایی مشهد نیز حضور می‌یافتند و دربارهٔ مسائل علمی، فقهی و حوزوی به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند. خاطره‌ای که از حجت‌الاسلام سیدهادی خامنه‌ای شنیدم، به‌خوبی عمق دوستی میان پدرم و مرحوم آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای را نشان می‌دهد. ایشان نقل می‌کردند روزی همراه با پدرشان به حمام عمومی رفته بودند و پسر در آنجا حضور داشتند. پس از پایان استحمام، آن دو دوست قدیمی مدت زیادی در سرسینه حمام و در کنار یکدیگر نشستند و به زبان ترکی گفت‌وگو کرده بودند، به‌گونه‌ای که ایشان از طولانی شدن این صحبت شگفت‌زده شده بود. این خاطره، به‌خوبی میزان رفاقت، صمیمیت و محبت میان آن دو را به تصویر می‌کشد. در مجموع مرحوم آیت‌الله سیدجواد خامنه‌ای را عالمی کفایت، زاهد، دارسته و کم‌نظیر می‌دانم که با وجود برخورداری از دانش فراوان، هیچ‌گاه در پی شهرت و ظهور اجتماعی نبود و زندگی ساده و زاهدانه را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌داد.

گفت‌وگو

۸۸۵۳۰۶۰۲



۱۳۵۸،محمدطه عبد خدایی

در کنار شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای در سفر به هندوستان

درد

در سالیان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، روشنفکران، نویسندگان، فعالان سیاسی و حتی کسانی که گرایش‌های چپ یا غیرمذهبی شده داشتند، زمانی که با آیت الله خامنه‌ای گفت‌وگو می‌کردند، درمی‌یافتند که او صرفاً از بیرون درباره آنان قضاوت نمی‌کند، بلکه آثار، اندیشه‌ها و مبانی فکری آنان را مطالعه کرده و به خوبی می‌شناسد، همین امر موجب می‌شد تا بسیاری از پیش‌فرض‌های ذهنی آنان فرو بریزد و منظر نوینی در باره ایشان پیدا کنند!



سیدمحمدتقی میرزا

به گونه‌ای سازماندهی می‌شد که هیچ گروهی از ارتباطات دیگر ایشان اطلاع نداشته باشد. اساساً فضای مبارزاتی آن زمان به شکلی بود که افراد حتی نزدیک‌ترین ارتباطات خود را نیز از یکدیگر پنهان می‌کردند. برای مثال مساعلامیه‌های امام خمینی را توزیع می‌کردیم، اما معمولاً حتی خودمان هم نمی‌دانستیم که این اعلامیه‌ها از چه مسیری به دست ما رسیده است! خود من اینگونه اعلامیه‌ها را به پدرم می‌دادم. ایشان می‌پرسیدند این اعلامیه‌ها را از کجا می‌آوری؟ و من پاسخ می‌دادم پشت در خانه پیدا کرده‌ام! ایشان هم با لبخند می‌گفتند: «چطور فقط وقتی شما به پشت در خانه می‌روید، اعلامیه پیدا می‌شود و وقتی ما می‌رویم، پیدا نمی‌شود؟» واقعیت این بود که برای حفظ امنیت، هیچ‌کس اطلاعات کامل خود را در اختیار دیگری قرار نمی‌داد. اگر قرار بود اعلامیه‌ای به دست فردی برسد، معمولاً آن را مخفیانه در محل مشخصی قرار می‌دادند و از تحویل مستقیم پرهزی می‌کردند. هدف این بود که اگر فردی دستگیر شد، نتواند شبکه ارتباطی دیگران را شناسایی یا معرفی کند. حتی خودمانیز بسیاری از مسیرهای ارتباطی را نمی‌دانستیم.

در مورد آیت‌الله خامنه‌ای نیز وضعیت به همین شکل بود. ایشان با افراد و گروه‌های مختلف ارتباط داشتند، اما این ارتباطات کاملاً تفکیک شده و محرمانه بود. هیچ‌کس از مجموعه ارتباطات ایشان، اطلاع کاملی نداشت. ممکن بود فردی سال‌ها با ایشان در ارتباط باشد، اما از ارتباط ایشان با گروه یا افراد دیگر اطلاعی نداشته باشد. بعدها مشخص شد برخی مبارزان برجسته و گروه‌های مختلف انقلابی نیز با ایشان در تماس بوده‌اند، اما آنچه من به‌طور مستقیم از فعالیت‌های ایشان مشاهده می‌کردم، بیشتر جنبه روشنگری، تبلیغی و فرهنگی داشت. آیت‌الله خامنه‌ای با سخنرانی‌ها، جلسات تفسیر، مباحث فکری و ارتباط گسترده با جوانان، تلاش می‌کردند تا سطح آگاهی سیاسی و دینی جامعه را افزایش دهند. ایشان معتقد بودند که تحول اساسی سیاسی برسد، برداشت من این است که این رویکرد با مثنی کلی نهضت امام خمینی نیز هماهنگ بود. محور اصلی مبارزه، بیدارسازی افکار عمومی و ایجاد آگاهی در میان مردم بود. به همین دلیل بخش مهمی از فعالیت‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد نیز بر سخنرانی، تبیین مسائل روز، پاسخ به شبهات فکری و در مجموع جذب نسل جوان متمرکز شده بود. جوانان بسیاری در جلسات ایشان شرکت می‌کردند و از طریق همین ارتباطات با رویکردهای نهضت اسلامی آشنایی می‌شدند.

با توجه به حضور آیت‌الله خامنه‌ای در محافل ادبی و ارتباط ایشان با طیف‌های متنوع فکری و فرهنگی در مشهد، این منظر شما اینگونه روابط چگونه شکل می‌گرفت؟ و چه نقشی در تعامل و گفت‌وگوی فکری میان جریان‌های مذهبی و غیرمذهبی آن دوره داشت؟

تا آنجا که به یاد دارم، آیت‌الله خامنه‌ای در برخی محافل ادبی و شب‌های شعر مشهد حضور پیدا می‌کردند. در آن محافل، شعرا و اهل ادب با او آشنایی داشتند. شرکت داشتند و بااین گسترده با ادبیات معاصر از ویژگی‌های برجسته ایشان بود. به اعتقاد من، این ویژگی‌ها نقش مهمی در موفقیت ایشان در ارتباط با نسل جوان داشت. زیرا جوانان احساس می‌کردند با شخصیتی روبرو و هستند که علاوه بر دانش حوزوی، با فرهنگ، ادبیات، هنر و مسائل فکری روزگار خود نیز آشنایی عمیق دارد. مجموعه این ویژگی‌ها- از خوش اخلاقی و صمیمیت گرفته تا وسعت مطالعات، جریان‌های مختلف را مطالعه کرده بودند. هنگامی که باروشنفکران، نویسندگان با افراد دارای گرایش‌های متفاوت گفت‌وگو می‌کردند، از موضعی آگاهانه و مسلط وارد بحث می‌شدند و همین امر موجب می‌شد تا شناختشان برای مخاطب قابل و تأثیرگذار باشد. من معتقدم بخشی از توفیقات ایشان در جذب جوانان و نخبگان فرهنگی پیش از انقلاب نیز از همین ویژگی ناشی می‌شد، یعنی توانایی برقراری ارتباط با طیف‌های مختلف فکری، شناخت دغدغه‌های آنان و ارائهٔ قرارتی عمیق و در عین حال روزآمد از مفاهیم اسلامی. به گمان من این جنبه از شخصیت ایشان، هنوز آنگونه که شایسته‌است، در خاطرات و پژوهش‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفته و نیازمند بررسی دقیق‌تری است.

یکی از عوامل مهم در ارتباط موفق آیت‌الله خامنه‌ای با طیف‌های مختلف فکری این بود که مخاطبان موضوع را نه از روی مشاهده مستقیم، بلکه از طریق برخی افراد مطلع شنیدم. اصل ارتباط میان نیروهای مبارز امری طبیعی بود، اما ویژگی مهم مبارزات آن دوره، رعایت دقیق اصول مخفی کاری بود. آیت‌الله خامنه‌ای با افراد و گروه‌های مختلفی ارتباط داشتند، اما این ارتباطات

مخفیانه بود. به همین دلیل بسیاری از ارتباطات در فضای خانوادگی و به‌ویژه در تربیت مادر ایشان داشت. همانگونه که پیش‌تر اشاره کردم، مادر ایشان بانویی نخستین ویژگی‌ای که در برخورد با ایشان جلب توجه می‌کرد، خوش اخلاقی، صمیمیت و محبت فراوان ایشان بود. آیت‌الله خامنه‌ای روحانی‌ای بسیار آراسته، منظم و قرار داشت و بسیار از جوان‌ها به این مکتب کتاب‌ها را نیز ترجمه کرده بودند. نثر روان، قلم توانمند و آشنایی گسترده با ادبیات معاصر از ویژگی‌های برجسته ایشان بود. به اعتقاد من، این ویژگی‌ها نقش مهمی در موفقیت ایشان در ارتباط با نسل جوان داشت. زیرا جوانان احساس می‌کردند با شخصیتی روبرو و هستند که علاوه بر دانش حوزوی، با فرهنگ، ادبیات، هنر و مسائل فکری روزگار خود نیز آشنایی عمیق دارد. مجموعه این ویژگی‌ها- از خوش اخلاقی و صمیمیت گرفته تا وسعت مطالعات، جریان‌های مختلف را مطالعه کرده بودند. هنگامی که باروشنفکران، نویسندگان با افراد دارای گرایش‌های متفاوت گفت‌وگو می‌کردند، از موضعی آگاهانه و مسلط وارد بحث می‌شدند و همین امر موجب می‌شد تا شناختشان برای مخاطب قابل و تأثیرگذار باشد. من معتقدم بخشی از توفیقات ایشان در جذب جوانان و نخبگان فرهنگی پیش از انقلاب نیز از همین ویژگی ناشی می‌شد، یعنی توانایی برقراری ارتباط با طیف‌های مختلف فکری، شناخت دغدغه‌های آنان و ارائهٔ قرارتی عمیق و در عین حال روزآمد از مفاهیم اسلامی. به گمان من این جنبه از شخصیت ایشان، هنوز آنگونه که شایسته‌است، در خاطرات و پژوهش‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفته و نیازمند بررسی دقیق‌تری است.

از شیوه‌های مبارزاتی ایشان و نیز میزان کارآمدی آنها در آن مقطع، خاطراتی را بیان کنید؟

در باره فعالیت‌های مبارزاتی آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد، باید بگویم که بخشی از این فعالیت‌ها برای ما آشکار بود و بخشی دیگر به اقتضای شرایط امنیتی آن دوران، کاملاً محرمانه‌انجام می‌شد. به همین دلیل بسیاری از ارتباطات و اقدامات ایشان در آن زمان را حتی نزدیک‌ترین افراد نیز نمی‌دانستند و بعدها از آن مطلع شدند.

من بعدها شنیدم که مرحوم شهید سیدعلی اندرزگو با آیت‌الله خامنه‌ای ارتباط نزدیک داشته‌است. البته این موضوع را نه از روی مشاهده مستقیم، بلکه از طریق برخی افراد مطلع شنیدم. اصل ارتباط میان نیروهای مبارز امری طبیعی بود، اما ویژگی مهم مبارزات آن دوره، رعایت دقیق اصول مخفی کاری بود. آیت‌الله خامنه‌ای با افراد و گروه‌های مختلفی ارتباط داشتند، اما این ارتباطات

«روایت‌هایی ناب از سیره خورشید انقلاب در سالیان دور» در گفت‌وشنود با محمدطه عبدخدایی

شناخت عظمت او نیازمند گذر زمان است

اگر بخواهم از ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله خامنه‌ای در دوران جوانی سخن بگویم، باید عرض کنم که ایشان برای همانگونه که پیش‌تر اشاره کردم، مادر ایشان بانویی نخستین ویژگی‌ای که در برخورد با ایشان جلب توجه می‌کرد، خوش اخلاقی، صمیمیت و محبت فراوان ایشان بود. آیت‌الله خامنه‌ای روحانی‌ای بسیار آراسته، منظم و قرار داشت و بسیار از جوان‌ها به این مکتب کتاب‌ها را نیز ترجمه کرده بودند. نثر روان، قلم توانمند و آشنایی گسترده با ادبیات معاصر از ویژگی‌های برجسته ایشان بود. به اعتقاد من، این ویژگی‌ها نقش مهمی در موفقیت ایشان در ارتباط با نسل جوان داشت. زیرا جوانان احساس می‌کردند با شخصیتی روبرو و هستند که علاوه بر دانش حوزوی، با فرهنگ، ادبیات، هنر و مسائل فکری روزگار خود نیز آشنایی عمیق دارد. مجموعه این ویژگی‌ها- از خوش اخلاقی و صمیمیت گرفته تا وسعت مطالعات، جریان‌های مختلف را مطالعه کرده بودند. هنگامی که باروشنفکران، نویسندگان با افراد دارای گرایش‌های متفاوت گفت‌وگو می‌کردند، از موضعی آگاهانه و مسلط وارد بحث می‌شدند و همین امر موجب می‌شد تا شناختشان برای مخاطب قابل و تأثیرگذار باشد. من معتقدم بخشی از توفیقات ایشان در جذب جوانان و نخبگان فرهنگی پیش از انقلاب نیز از همین ویژگی ناشی می‌شد، یعنی توانایی برقراری ارتباط با طیف‌های مختلف فکری، شناخت دغدغه‌های آنان و ارائهٔ قرارتی عمیق و در عین حال روزآمد از مفاهیم اسلامی. به گمان من این جنبه از شخصیت ایشان، هنوز آنگونه که شایسته‌است، در خاطرات و پژوهش‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفته و نیازمند بررسی دقیق‌تری است.

در آن سال‌ها که فضای مشهد نیز از نهضت امام خمینی بی‌تأثیر نمانده بود، نقش آیت‌الله خامنه‌ای را چگونه می‌دیدید و ارتباط ایشان با طلاب و جریان‌های فعال سیاسی آن دوره چگونه بود؟

دیدگاه و گرایش من به آیت‌الله خامنه‌ای از دوران نوجوانی شکل گرفت. من فرزند یک روحانی فعال و امام‌جمعه‌بودم و خانواده ما نیز در مسائل سیاسی و اجتماعی حضور و مشارکت داشتند. برادرم با جمعیت فدائیان اسلام ارتباط نزدیک داشت و من از کودکی با برخی از چهره‌های مبارز آن دوران آشنا شده بودم. حتی شهید نواب صفوی را در ستین پایین دیده بودم. با این حال، آشنایی جدی‌تر من با شهید آیت‌الله خامنه‌ای و فعالیت‌های سیاسی ایشان، به دوران نهضت امام خمینی و پس از حوادث پانزدهم خرداد ۴۲ بازمی‌گردد. در آن زمان، طلبه‌ای جوان‌نورم و در مدرسه‌بالسر مشهد در جوار حرم مطهر ضروی (ع) حجره داشتم. این مدرسه در محدوده‌ای قرار داشت که بعدها در طرح توسعه حرم مطهر قرار گرفت. در روزهای اوج نهضت اسلامی، اعلامیه‌های امام خمینی و دیگر مراجع و علمای مبارزه به دست ما می‌رسید. در آن روزگار نه دستگاه تکثیر دست‌نوشته‌ها برای توزیع آماده بودند، گاهی از شدت نوشتن، دست‌هایمان تاول می‌زد!

در همان سال‌ها بود که ارتباط من با آیت‌الله خامنه‌ای بررنگ‌تر شد. من نوجوانی پرشور و فعال بودم و ایشان نیز جوانی پر تلاش، پر تحرک و اثرگذار در جریان نهضت اسلامی به‌شمار می‌رفتند. به همین دلیل، بسیاری از طلاب و جوانان علاقه‌مند بودند که با ایشان ارتباط داشته باشند. من نیز علاوه بر این علاقه به واسطه ارتباط خانوادگی، امکان رفت‌وآمد و آشنایی نزدیک‌تری با ایشان داشتم.

به نظر شما چه عواملی باعث می‌شد که آیت‌الله خامنه‌ای در مقایسه با دیگر روحانیان، در میان نسل جوان چنین اثرگذار و جذاب باشند؟

ف

برخی مفاهیمی که آیت‌الله خامنه‌ای در سالیان پس از انقلاب مطرح می‌کردند، در زمان خود به‌در سستی فهم نشد. گاهی ایشان در باب مقولات مختلف نکاتی را بیان می‌کردند، اما بر داشت‌ها و شیوه‌های اجرا با آنچه مدنظرشان بود فاصله داشت. معتقدم که ارزیابی جامع شخصیت آن بزرگ، نیازمند صبغه گذر زمان است. تاریخ در آینده فرصت خواهد داشت تا در باره ابعاد مختلف شخصیت ایشان داوری دقیق‌تری به دست دهد



سیدمحمدتقی میرزا

و بخشی نیز به شرایط و فضای سیاسی و اجتماعی آن دوره مربوط می‌شود. به همین دلیل معتقدم که ارزیابی جامع شخصیت و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نیازمند به گذشت زمان است. تاریخ در آینده فرصت بیشتری خواهد داشت تا ابعاد مختلف شخصیت ایشان را بررسی کند و درباره جایگاه فکری و فرهنگی ایشان داوری دقیق‌تری به دست دهد.

مهم‌ترین ویژگی ایشان در دوران ریاست‌جمهوری و سپس رهبری، در مواجهه با مسائل اجرایی، سیاسی و بین‌المللی چیست؟

ارتباط من با ایشان در دوران ریاست‌جمهوری، بیشتر به‌صورت رفت‌وآمدهای منظم و معمولاً در شب‌های پنج‌شنبه یا جمعه انجام می‌شد. در آن دیدارها، گفت‌وگوهای مختلفی دربارهٔ مسائل اجرایی، فرهنگی و اجتماعی کشور صورت می‌گرفت. شرایط در آن دوره به‌گونه‌ای بود که بخش زیادی از اختیارات اجرایی در اختیار نخست‌وزیر قرار داشت و طبیعتاً شرایط کاری ریاست‌جمهوری با محدودیت‌هایی همراه بود، اما با این حال ایشان در همان زمان نیز پیگیر امور کلان کشور بودند.

در سال ۱۳۶۱، به ریاست مرکز هنرهای نمایشی منصوب شدم. زمانی که برای پذیرش این مسئولیت پیشنهاد شدم، خدمت آقا فتم و نظر ایشان را جویا شدم. تأکید کردند که مسئولیت را بپذیرم. پس از آن، کار خود را در مرکز هنرهای نمایشی آغاز کردم. مدتی از آغاز کار نگذشته بود که فهرستی را مقابلم گذاشتند و گفتند: افرادی که نامشان در این فهرست آمده، باید اخراج شوند! شمار آنان حدود ۱۲۰ نفر بود. بیشتر این افراد از کسانی بودند که پیش از انقلاب در حوزه هنرهای نمایشی فعالیت داشتند. من موضوع، برای من قابل پذیرش نبود. به همین دلیل، خدمت آقا فتم و عرض کردم: اگر قرار باشد که چنین تصمیمی اجرا شود، تر ترجیح می‌دهم استعفا بدهم، زیرا اخراج آن تعداد از فعالان عرصه هنر را درست و منصفانه نمی‌دانم. ایشان در پاسخ فرمودند: «درست است این افراد مانند تو بزرگ نشده‌اند که از کودکی در خانواده‌ای مذهبی پرورش یافته و پدرشان در در حال نماز شب دیده باشند. بسیاری از آنان در خانواده‌هایی رشد کرده‌اند که رقص و موسیقی بخشی از زندگی‌شان بوده است. از کودکی وارد محیط‌های نامناسب شده‌اند و سپس در وزارت فرهنگ و هنر استخدام شده‌اند، آنان اساساً چنین کاری را گناه تلقی نمی‌کنند. اگر این افراد اخراج شوند، ممکن است به دلیل بیکاری و مشکلات معیشتی، دچار آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی شوند، در برابر انقلاب موضع بگیرند یا جذب جریان‌های ضدانقلاب شوند؛ شما در مسئولیت خود بمانید و اجازه ندهید آنان اخراج شوند…» من نیز براساس همین توصیه اجازه اخراج آنان را ناسدادم. در آن زمان در بخش هنرهای نمایشی، بست‌های شغلی خالی وجود داشت و این افراد را در همان مشاغل به کار گرفتم. بسیاری از آنان بعدها در آثار نمایشی و تلویزیونی از جمله مجموعه «سرداران» و آثار دیگر حضور یافتند و توانایی‌های قابل‌توجهی از خود نشان دادند. در تمام سال‌هایی که با آنان ارتباط کاری داشتم، هیچ‌گونه رفتار یا تحرافی از آنان ندیدم. آنان به‌تدریج من شدند، بازتنشست شدند و مجموعه رفتند، اما آنچه بعدها دربارهٔ برخی افراد مشهور که پس از انقلاب وارد عرصه هنر شدند مطرح شد، را در مورد این گروه مشاهده نکردم. برای من تأکید بر حفظ کرامت و امنیت شغلی این افراد، بسیار آموزنده و قابل‌تأمل بود. ایشان اصرار داشتند که این افراد بمهند، اخراج شوند و من نیز مسئولیت خود را ادامه دهم. این تصمیم در عمل، آثار مثبت فراوانی به همراه داشت.

از گفت‌وگوها و مشورت جوبی‌های خود از ایشان در دوره رهبری نیز به مواردی اشاره کنید؟

پس از آغاز دوران رهبری، ارتباط من با ااقامه یافت، اما شکل آن محدودتر و رسمی‌تر شد. آخرین دیدار مفصل من با رهبر شهید، پیش از عزیمت به آرژانتین بود. برای این سفر طبق روال همیشگی، موضوع را با آقادر میان گذاشتم، چراکه معمولاً هر کاری که من به پیشنهاد می‌شود، پیش از قبول یارد با ایشان مشورت می‌کردم و نظرشان را جویا می‌شدم. در آن دیدار، پس از نماز مغرب و عشاء در یکی از اتاق‌های مجاور محل نماز فرصتی پیش آمد تا با ایشان گفت‌وگو کنیم. هم‌زمان با همراهم افراد مرتب‌نیز در آن جلسه حضور داشتند. در آن جلسه، موضوع سفر به آرژانتین و مأموریت‌های مرتبط با آن مطرح شد. یکی از نکات مهم آن دیدار این بود که ایشان باذقت دربارهٔ مأموریت فرهنگی و سیاسی آن سفر سؤال کردند و حتی دربارهٔ امکان ملاقات با برخی چهره‌های دینی و فکری در امریکای لاتین، از جمله رهبران الهیات آزادی‌بخش، توضیحات دقیقی ارائه دادند. برای من جالب بود که ایشان با وجود جایگاه سیاسی خویش، نسبت به توضیحات دقیق‌تری در امریکای لاتین، از جمله الهیات آزادی‌بخش، شناخت دقیق داشتند و درباره ماهیت فکری، زمینه‌های اجتماعی و نقش رهبران آن جریان فرهنگی و سیاسی آن نشان می‌داد که نگاه ایشان، محدود به فضای داخلی نیست و نسبت به تحولات فکری و سیاسی جهان نیز آگاهی جدی دارند.

پس از آن سفر، به دلایلی ارتباطات مستقیم و دیدارهای منظم قبلی کاهش پیدا کرد و دیگر مانند گذشته، امکان انجام آن کمتر فراهم شد. البته در مقاطع مختلف، دیدارهایی کوتاه‌صورت می‌گرفت، اما آن ارتباط مستمر گذشته ادامه نیافت، با این حال تجربه من از ارتباط با ایشان در دو دوره ریاست‌جمهوری و رهبری نشان می‌دهد که با شخصیتی روبرو بودم که هم در امور اجرایی و سیاسی دقت‌نظر داشتند و هم در مسائل فکری و بین‌المللی با دیدی گسترده و تحلیلی به موضوعات نگاه می‌کردند.